

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۱

فصل نامه علمی - پژوهشی مشرق موعود

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۲۷

سال هفتم، شماره ۲۸، زمستان ۱۳۹۲

چشم دجال در روایات شیعه و اهل تسنن

کاووس روحی برندق، * نصرت نیل ساز**

علی صفری، *** سحر صدری

چکیده

در جوامع روایی شیعه و اهل تسنن، روایات بسیاری درباره چشم دجال وجود دارد. این روایات هرچند در نگاه نخست، دارای گونه‌های مختلف و بعضاً متناقضی هستند، اما با دقت نظر و بررسی دقیق مضمون آن‌ها، درمی‌یابیم به یکدیگر مرتبطند. این نوشتار با روش گردآوری کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع شیعه و اهل سنت و با شیوه توصیفی - تحلیلی (تحلیل محتوایی) به این مسئله پرداخته است که راه جمع بین روایات متناقض موجود در جوامع حدیثی اهل تسنن و شیعه درباره ویژگی‌های چشم دجال و حاصل این راه‌کار چیست؟ آن‌گاه نتیجه می‌گیریم که یک چشم دجال، به طور کامل کوراست و چشم دیگر، نابینای نسبی است. برجستگی و از حدقه درآمدن، ویژگی چشم راست دجال، و درخشش همانند ستاره، ویژگی چشم چپ اوست. در برخی روایات نیز از نوشته میان دو چشم دجال سخن به میان آمده که می‌تواند کنایه از ثبوت و وضوح کفر دجال باشد.

واژگان کلیدی

دجال، چشم دجال، روایات شیعه، روایات اهل سنت.

* استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس. (نویسنده مسئول) (14rohi@gmail.com)

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت مدرس.

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث.

**** کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.

در جوامع روایی شیعه و اهل سنت روایاتی دربارهٔ فتنه‌ها و حوادث آخرالزمان آمده است. یکی از موضوعات مطرح شده در این روایات دجال است که برخی عالمان آن را از علایم آخرالزمان و برخی دیگر از علایم ظهور دانسته‌اند. در جوامع روایی اهل سنت روایات موضوع دجال از جوامع روایی شیعه بسیار بیشتر است. این روایات به طور کلی با توجه به موضوعات مطرح شده در آن‌ها به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود که عبارتند از: وقایع زمان خروج دجال، ویژگی‌های چشم دجال، زمان و مکان خروج دجال، ویژگی‌های مرکب دجال، پیروان دجال، محل کشته شدن و کشته‌شدن دجال، والدین دجال، ذکر برخی ویژگی‌های ظاهری دجال، سن دجال (برای تفصیل نک: صدیقی، ۱۳۹۱). این روایات موضوعات گوناگونی را دربارهٔ دجال مطرح می‌کند و در بیشتر آن‌ها اختلاف وجود دارد. موارد اختلاف در برخی از موضوعات، بیشتر و در برخی کمتر است. همچنین برخی از این اختلافات قابل جمع بوده و برخی قابل جمع نیستند.

در روایات شیعه، به جز چشم از ویژگی‌های دیگر اندام دجال سخنی به میان نیامده است، اما در روایات اهل تسنن از میان روایاتی که ویژگی‌های جسمانی و ظاهری دجال را معرفی می‌کنند، تعدادی به معرفی قد، اندازه، مو و ... دجال می‌پردازند. روایات وارده دربارهٔ چشم دجال در جوامع روایی فریقین فراوانند و در نگاه نخست، اختلافات بسیاری بین آن‌ها مشاهده می‌شود؛ اما با بررسی‌های دقیق‌تر می‌توان به راه جمع کردنشان دست یافت. در این نوشتار سعی بر آن است که روایات چشم دجال مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته و تعارض ظاهری آن‌ها حل شود.

۱. ویژگی‌های چشم دجال در احادیث فریقین

ویژگی‌های چشم دجال را در احادیث موجود در جوامع روایی فریقین به صورت زیر می‌توان سامان داد:

الف) ویژگی‌های چشم دجال در جوامع روایی اهل سنت

دجال یک چشم

در روایتی مالک از پدرش از جدش نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است» (طیالسی، بی تا: ۳۰۶؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۱۸۲ و ۲۴۰ و ج ۳، ۳۳۳؛ ابن حنبل، ۱۴۰۶:

ج ۱، ۴۹۲؛ ابن عبدالبر، ۱۴۱۲: ج ۴، ۱۵۴۷).

در برخی دیگر از روایات، ذکری از یک چشم بودن دجال به میان نیامده، ولی تنها یک چشم دجال توصیف شده است؛ توصیفات بدین شرحند:

نابینا و همچون ستاره‌ای بارز: جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «چشم دجال، کور و مانند ستاره‌ای بارز است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۶۸).

همچون انگوری معلّق: سالم از پدرش نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم دجال در صورتش مانند انگوری معلّق است» (عینی، بی تا: ج ۲۴، ۱۴۳).

در برخی دیگر از این دسته روایات، افزون بر بیان یک چشم بودن دجال، به توصیف چشم دجال نیز پرداخته شده است:

چشمی کور، برجسته و بارز: عبادة بن صامت نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است و این چشم بینایی اش را از دست داده و برجسته و بارز است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ۳۲۴؛ مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۸؛ شببانی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۸۶).

همچون دانه انگوری برجسته: عبدالله بن عمر نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است و چشمش مانند دانه انگوری برجسته و از حدقه درآمد است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۳۳ و ۱۲۲؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۸، ۱۰۲).

از جا کنده شده و معیوب: مانند روایتی که سالم از پدرش نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است، چشم او از جا کنده شده و معیوب است» (عینی، بی تا: ج ۱۶، ۳۴).

نابینا: اسماء بنت یزید انصاریه نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: همانا دجال یک چشم و کور است.» (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۴۴)

بینا: در روایتی عبادة بن صامت نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است، ولیکن کور نیست» (سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۹).

همچون ستاره: ابی بکره آن را همچون ستاره صبح، و رافع آن را همچون ستاره‌ای آغشته به خون توصیف می‌کند. ابی بکره می‌گوید: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است و

چشم او مانند ستاره صبح می‌درخشد» (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۳۷). رافع نیز از ابن عباس نقل می‌کند: «دجال یک چشم است و چشم او گویی ستاره‌ای آغشته به خون است» (متقی

هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۲۶).

دجال دو چشم

۱. در برخی از روایات به توصیف چشم راست دجال پرداخته شده، مانند نمونه‌های زیر:

نابینا: عبدالله بن عمر نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم راست دجال کور است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۱۷۶ و ج ۲، ۲۲؛ الدانی، ۱۴۱۶: ۱۱۹۱؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۲۸؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۳۳؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۷۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۲۶).

نابینا و همچون انگور: مانند روایتی که ابن عمر نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم راست دجال کور است و همچون انگوری برجسته و از حدقه درآمد است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۱۳۱؛ ابن حنبل، ۱۴۰۶: ج ۱، ۴۴۳؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۵، ۱۲۵ و ج ۷، ۵۷ و ج ۸، ۷۲ و ۱۷۱؛ نیشابوری، بی تا: ج ۱۰۷، ۱؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۹).

نابینا و همچون نخاعه‌ای بر دیوار گچ‌کاری شده: در روایتی دیگر ابوسعید نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم راست دجال، کور و از حدقه بیرون زده است، گویی نخاعه‌ای (خلطی) است که روی دیوار گچ‌کاری شده افتاده است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۷۹؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۴۴).

دارای ناخنک: در روایتی ابن عمر از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «چشم راست دجال، دارای ناخنکی است» (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۹).

۲. در تعدادی دیگر از روایات اهل سنت به توصیف چشم چپ دجال پرداخته شده است:
نابینا: در روایتی سمره بن جندب نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: همانا چشم چپ دجال کور است» (طیالسی، بی تا: ۱۵۱؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ۱۳، ۲۲۱، ۳۸۳؛ همچنین نک: نیشابوری، بی تا: ج ۸، ۱۹۵؛ ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۵۳؛ مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۹؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۳۲۹؛ بیهقی، بی تا: ج ۳، ۳۳۹؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۲، ۲۰۹ و ج ۷، ۳۳۷ و ۳۳۹).

همچون ستاره‌ای درخشان: ابوسعید نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم چپ دجال مانند ستاره‌ای درخشان است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۷۹).

همچون ستاره زهره: حذیفه در روایتی چشم چپ دجال را این‌گونه توصیف می‌کند: «چشم چپ دجال گویی ستاره زهره است» (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۲۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۲۶).

۳. در برخی روایات به دو چشم داشتن دجال به طور غیرمستقیم اشاره شده است:
در روایتی ابن عباس نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: یکی از چشمان دجال مانند ستاره‌ای درخشان است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۳۷۴؛ هیشمی، ۱۴۰۸: ج ۱، ۶۷). در حدیث دیگری جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم دجال کور و مانند

ستاره‌ای بارز است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۳۶۸). در روایتی دیگر، ثعلبه بن عباد العبدی نقل می‌کند: «یکی از چشمان دَجَّال مانند شیشه‌ای سبزرنگ است» (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۱، ۳۲۹؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۳۷؛ بیهقی، بی تا: ج ۳، ۳۳۹). در روایتی دیگر، حذیفه نقل می‌کند: «پیامبر ﷺ فرمود: یکی از چشمان دَجَّال کور و دیگری آغشته به خون است» (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۲۲).

چنان‌که ملاحظه می‌شود در این روایات به صورت ابهام‌آمیزی به توصیف چشمان دَجَّال پرداخته شده و مشخص نیست که ویژگی ذکر شده مربوط به کدام چشم دَجَّال است.

دَجَّال مطلقاً کور

در دسته‌ای دیگر از روایات، دَجَّال کور مطلق معرفی می‌شود؛ مانند نمونه زیر:
 جبیر بن نفیر از پدرش از جدش نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: همانا دَجَّال کور است» (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۵۳۰؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۴۲).

ب) ویژگی‌های چشم دَجَّال در جوامع حدیثی شیعه

دَجَّال یک چشم

ابوسعید خدری در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند: «همانا دَجَّال یک چشم است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۱، ۹۹؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۷۱).

دَجَّال دو چشم

۱. روایاتی که به توصیف چشم راست یا چپ دَجَّال پرداخته‌اند و بالطبع وقتی سخن از چپ و راست می‌شود، به معنای دو چشم داشتن اوست:

توصیف چشم راست دَجَّال: اصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «همانا دَجَّال مردی است که ... چشم راستش کور و مانند دانه انگوری برجسته و از حدقه درآمد است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۸۸، ۹۲؛ پاورقی).

توصیف چشم چپ دَجَّال: اصبغ بن نباته در روایتی دیگر، از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره دَجَّال می‌پرسد و ایشان در پاسخ، چشم چپ دَجَّال را این‌گونه توصیف می‌کند: «چشم چپ دَجَّال در پیشانی‌اش مانند ستاره صبح می‌درخشد و آن چنان آغشته به خون است که گویی زالویی در آن وجود دارد» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۲۷).

۲. در برخی از این دسته روایات، به توصیف دو چشم دَجَّال پرداخته شده است. در این بخش، روایات به کور بودن چشم راست دَجَّال تصریح کرده‌اند و در ادامه به توصیف چشم

چپ او پرداخته اند؛ این توصیفات به شرح زیر است:

همچون ستاره صبح در پیشانی و دارای تکه گوشتی اضافه: نزال بن سبره از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «همانا چشم راست دجال کور است و چشم چپ او در پیشانی اش همچون ستاره صبح می‌درخشد و به گونه‌ای آغشته به خون است که گویی تکه گوشتی اضافه دارد» (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۳۵).

تشبیه به زالو، به جای تکه گوشت: مفضل از امام صادق از پدرش علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: «چشم راست دجال کور است و چشم چپش در پیشانی اش همچون ستاره صبح می‌درخشد و به گونه‌ای آغشته به خون است که گویی زالویی در آن وجود دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۷، ۲۲۵).

همچون دانه انگوری برجسته: منذر بن الجارود از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند: «دجال موجودی بزرگ است که چشم راستش کور و چشم دیگرش مانند دانه انگوری برجسته و از حدقه درآمده است» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۳۲، ۲۵۵).

۲. نوشته میان دو چشم دجال

الف) نوشته میان دو چشم دجال در جوامع روایی اهل سنت

این دسته از روایات خود به دسته‌های جزئی تری تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

۱. در برخی از این روایات به صورت مطلق و بدون هیچ مطلب اضافه‌ای آمده که میان دو چشم دجال نوشته شده است «کافر». از این دسته از روایات در جوامع روایی اهل سنت به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

ابن عباس در روایتی نقل می‌کند: «بین دو چشم دجال نوشته شده "کافر" یا "ک ف ر" (طیالسی، بی تا: ۱۵۰ و ۳۰۶؛ ابن حنبل، بی تا: ج ۱، ۲۷۶ و ج ۳، ۲۰۱ و ج ۳۲۷ و ج ۵، ۲۲۱ و ۳۸۶؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۲، ۱۴۸ و ج ۴، ۱۱۱ و ج ۸، ۱۰۴؛ نیشابوری، بی تا: ج ۸، ۱۹۵؛ ابن ماجه، بی تا: ج ۲، ۱۳۵۹؛ سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۷؛ مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۹؛ بیهقی، بی تا: ج ۵، ۱۷۶؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۳۳؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۴۴؛ شیبانی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۸۶).

انس بن مالک نیز نقل می‌کند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: میان پیشانی دجال نوشته شده «کافر» (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۹؛ الدانی، ۱۴۱۶: ۱۱۹۱).

۲. در دسته‌ای دیگر از این روایات برای دیدن نوشته میان دو چشم دجال شرایطی ذکر شده است؛ مانند روایتی که عبدالله بن عمر نقل می‌کند: «بین دو چشم دجال نوشته شده

کافر و تنها کسی قادر به خواندن آن است که از عمل دجال اکراه داشته باشد» (ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۴). همو در روایتی دیگر، افزون بر این شرط، داشتن ایمان را نیز آورده است (نیشابوری، بی تا: ج ۸، ۱۹۲).

همچنین عبدالله بن زبیر از پدرش از عایشه نقل می کند: «از رسول خدا ﷺ شنیدم: بین دو چشم دجال نوشته شده کافر، که هر مؤمن باسواد و بی سواد قادر به خواندن آن است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۶، ۱۴۰؛ ابن حنبل، ۱۴۰۶: ج ۱، ۴۴۳؛ مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۲۲؛ طبرانی، ۱۴۱۲: ۱۲۴؛ الدانی، ۱۴۱۶: ۱۱۹۱).

ابی بکره نیز همین روایت را نقل کرده، با این تفاوت که به جای «هر مؤمن»، «هر انسان» ذکر شده است (ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ۳۸؛ حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۴، ۴۹۰؛ هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۳۷). در همین معنا روایات دیگری نیز در جوامع حدیثی اهل سنت آمده است (مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۲۲؛ متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۶۱۸).

انس بن مالک نقل می کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: بین دو چشم دجال نوشته شده کافر که هر مسلمانی می تواند آن را بخواند». (ابن حنبل، بی تا: ج ۳، ۲۱۱؛ عینی، بی تا: ج ۸، ۱۷۲)

ب) نوشته میان دو چشم دجال در جوامع روایی شیعه

نزال بن سبره از امیرالمؤمنین نقل می کند: «در مجلسی که خطبه می خواندند، صعصعة بن صوحان از ایشان درباره دجال پرسید. حضرت فرمود: بین دو چشم دجال نوشته شده کافر، که هر باسواد و بی سواد قادر به خواندن آن است» (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ج ۲، ۵۲۶؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ۱۱۳۵؛ حلی، ۱۴۲۱: ۱۲۵؛ نیلی نجفی، ۱۳۶۰: ۸۷؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۱: ۲۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲، ۱۹۴؛ جزایری، ۱۴۲۷: ج ۳، ۱۶۰؛ یزدی حائری، ۱۴۲۲: ج ۲، ۱۱۱).

جابر جعفی از امام صادق ﷺ نقل می کند: «شنیدم هیچ کافری نیست مگر این که در زمان حیاتش دجال را درک می کند و به او ایمان می آورد و اگر از دنیا رفته باشد در قبر به او ایمان می آورد؛ و هیچ مؤمنی نیست مگر این که در زمان حیاتش دجال را درک می کند و اگر از دنیا رفته باشد در قبر او را رد می کند. همانا بین دو چشم دجال نوشته شده کافر، که هر مؤمنی آن را می شناسد» (گروه نویسندگان، ۱۴۲۳: ۲۲۳).

۳. بحث و تحلیل

آن چه در تحلیل یافته های تحقیق - خواه به صورت مشترک در جوامع روایی فریقین یا به صورت اختصاصی در منابع شیعه یا اهل تسنن - مهم است، حل نقاط ابهام و تبیین آن ها و نیز

چاره‌جویی برای رفع تناقض ظاهری میان روایات تا حد امکان و در نتیجه ارائه نظر در این باره و در نهایت مشخص کردن آموزه‌های صحیح و سقیم در موضوع تحقیق است که در دو حوزه متفاوت باید مورد پژوهش قرار گیرد: ۱. تحلیل و بررسی روایات از نظر سندی؛ ۲. تحلیل احادیث از نظر محتوا و میزان دلالت آن‌ها.

الف) بررسی احادیث از نظر سندی

در واقع بررسی سندی احادیث مورد بحث، مقاله دیگری را می‌طلبد؛ زیرا درباره حجیت خبر واحد در این‌گونه احادیث - که به حوزه عمل و کاربردی مربوط نمی‌شود - دو نظریه مختلف وجود دارد؛ نظریه‌ای بر آن است که خبر واحد - که احادیث مورد بحث از این دسته به شمار می‌آیند - در غیر حوزه عمل و باید و نباید - یعنی در حوزه مسائل نظری و هست و نیست - هرچند سند درستی داشته باشد، حجت نیست و برای اعتبارسنجی آن‌ها باید از روشی دیگر بهره جست و آن بررسی محتوای روایات از نظر مطابقت با محک‌های قرآن و قطعیات عقل و سنت و تجربه است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۵، ۲۶۵ و ج ۶، ۵۷ و ۲۲۴؛ ج ۱۴، ۲۵، ۱۳۳، ۲۰۵).

در مقابل، دیدگاهی دیگر بر آن است که خبر واحد در این حوزه نیز حجت است و با این دسته از روایات نیز مانند روایات کاربردی - یعنی روایات فقهی - باید تعامل کرد و اعتبارسنجی در این حوزه متفاوت با حوزه باید و نباید نیست (خویی، بی تا: ۳۹۸).

لیکن از آن‌جا که دیدگاه نخست دیدگاه برگزیده نگارنده است و همچنین بررسی همه‌جانبه روایات حتی بر اساس این نظریه، مسئله پیش روی این نوشتار نیست، لذا درباره اعتبارسنجی محتوایی احادیث مورد بحث، تنها به صورت گذرا، آن‌هم در لابه‌لای مطالب دیگر اشاره خواهد رفت.

گزاره‌های احادیث مورد بحث - اعم از احادیث مشترک جوامع روایی شیعه و اهل تسنن و یا مختص هریک و نیز اعم از گزاره‌هایی که میان آن‌ها تناقض ظاهری وجود دارد یا ندارد - را به صورت زیر می‌توان سامان داد:

یکم. گزاره‌های موجود در روایات اهل تسنن

گزاره‌هایی که درباره چشم دجال از روایات اهل تسنن به دست می‌آید عبارتند از:

۱. دجال دارای یک چشم است؛
۲. چشم دجال کور است؛
۳. چشم دجال مانند انگور معلق و آویزان است؛
۴. چشم دجال برجسته و بارز است؛

۵. چشم دجال بینایی اش را از دست داده است؛
۶. چشم دجال مانند انگور برجسته و از حدقه درآمدہ است؛
۷. چشم دجال از جا کنده شده است؛
۸. چشم دجال معیوب است؛
۹. چشم دجال کور نیست؛
۱۰. چشم دجال مانند ستاره صبح می درخشد؛
۱۱. چشم دجال گویی ستاره‌ای آغشته به خون است؛
۱۲. چشم راست دجال کور است؛
۱۳. چشم دجال ورق‌نبدیده است؛
۱۴. چشم دجال گویی نخاعه‌ای (خلطی) است که روی دیوار گچکاری شده افتاده است؛
۱۵. چشم دجال دارای ناخنک است؛
۱۶. چشم چپ دجال کور است؛
۱۷. چشم چپ دجال همچون ستاره‌ای درخشان است؛
۱۸. چشم چپ دجال گویی ستاره زهره است؛
۱۹. یکی از چشمان دجال مانند ستاره‌ای درخشان است؛
۲۰. چشم دجال مانند ستاره‌ای بارز است؛
۲۱. یکی از چشمان دجال مانند شیشه‌ای سبزرنگ است؛
۲۲. یکی از چشمان دجال کور و دیگری آغشته به خون است؛
۲۳. بین دو چشم دجال واژه «کافر» نوشته شده است؛
۲۴. بین دو چشم دجال واژه «کافر» یا «ک ف ر» نوشته شده است؛
۲۵. تنها کسی قادر به خواندن نوشته میان دو چشم دجال است که از عمل او اکراه داشته باشد.
۲۶. هر مؤمن باسواد و بی‌سوادی نوشته میان دو چشم دجال را می‌خواند.
۲۷. هر انسانی قادر به خواندن نوشته میان دو چشم دجال است؛
۲۸. هر مسلمانی میتواند نوشته میان دو چشم دجال را بخواند.

دوم. گزاره‌های موجود در روایات شیعه

- گزاره‌هایی که درباره چشم دجال از روایات شیعه به دست می‌آید عبارتند از:
۱. دجال یک چشم است؛

۲. چشم راست دجال کور و مانند دانه انگور برجسته و از حدقه درآمده است؛
۳. چشم دجال در پیشانی اش مانند ستاره صبح می درخشد و آن چنان آغشته به خون است که گویی زالویی در آن وجود دارد؛
۴. چشم راست دجال کور است و چشم چپ او در پیشانی اش همچون ستاره صبح می درخشد و به گونه‌ای آغشته به خون است که گویی تکه گوشتی اضافه دارد؛
۵. چشم راست دجال کور است و چشم چپ او در پیشانی اش همچون ستاره صبح می درخشد و به گونه‌ای آغشته به خون است که گویی زالویی در آن وجود دارد؛
۶. چشم راست دجال کور است و چشم دیگر او مانند دانه انگور برجسته و از حدقه درآمده است؛
۷. میان دو چشم دجال واژه «کافر» نوشته شده است؛
۸. هر شخص باسواد و بی سوادى نوشته میان دو چشم دجال را می تواند بخواند.
۹. هر مؤمنی قادر به شناسایی نوشته میان دو چشم دجال است.

ب) تحلیل احادیث از نظر محتوا و میزان دلالت آن‌ها

- با نگاهی گذرا به روایات اهل تسنن و شیعه می توان به نتایج کلی زیر دست یافت:
۱. برخی از ویژگی‌ها بین جوامع حدیثی اهل تسنن و شیعه مشترک است و برخی دیگر تنها به یکی از آن‌ها اختصاص دارد که در ادامه بیان خواهد شد.
 ۲. اطلاعات و داده‌های موجود در روایات اهل تسنن، دارای فراوانی بیشتری نسبت به روایات شیعه است.
 ۳. در برخی از روایات اهل تسنن تناقض وجود دارد، برخلاف احادیث شیعه که در آن‌ها تناقضی یافت نمی شود.
- اما آن چه مهم است، تحلیل داده‌ها و به ویژه داده‌های متناقض‌نماست که در ادامه بدان پرداخته می شود. پیش‌زمینه بررسی این موارد، مقایسه میان روایات و استخراج موارد مشترک و مختص و نیز داده‌های به ظاهر متناقض است.
- گزیده داده‌های روایات اهل تسنن درباره ویژگی‌های دجال را با استفاده از دو قاعده کلی تناقض نداشتن ادله مثبت و تناقض ادله مخالف، به صورت زیر می توان سامان داد:
۱. دجال دارای یک چشم است؛
 ۲. چشم دجال یا بینایی اش از دست داده و این چشم، چشم راست اوست که کور است و در مقابل، آن چشم دجال کور نیست و چشم چپ او کور است؛

۳. چشم دجال معیوب و از جای خود کنده شده، مانند انگور آویزان، برجسته و بارز، از حدقه درآمده است؛

۴. چشم دجال مانند ستاره روشن و بارز و ستاره صبح می درخشد و گویی ستاره‌ای آغشته به خون است و این چشم، یکی از چشم‌های اوست، بلکه چشم چپ اوست که مانند ستاره و یا مانند ستاره زهره می درخشد؛

۵. چشم دجال گویی نخاعه‌ای (خلطی) است که بر روی دیوار گچکاری شده افتاده است؛

۶. چشم دجال دارای ناخنک است؛

۷. یکی از چشمان دجال مانند شیشه‌ای سبزرنگ است؛

۸. بین دو چشم دجال واژه «کافر» یا «ک ف ر» نوشته شده است که هر انسان، یا هر مسلمان، یا هر مؤمن و یا کسی که از عمل او اکراه داشته باشد، می تواند آن را بخواند.

بر این اساس، گزیده آموزه‌های احادیث شیعه عبارتند از:

۱. دجال دارای یک چشم است؛

۲. چشم راست دجال کور است؛

۳. چشم راست او مانند انگور برجسته و از حدقه درآمده است و یا چشم چپ او در پیشانی اش مانند ستاره صبح می درخشد و آن چنان آغشته به خون است که گویی زالویی در آن وجود دارد، یا گویی تکه گوشتی اضافه دارد و مانند دانه انگوری برجسته و از حدقه درآمده است.

اگرچه این گزاره مشترک در روایات فریقین که دجال دارای یک چشم است، با دو چشم بودن او تناقضی آشکار دارد، اما راه جمع بین این احادیث به ظاهر متناقض آن است که بنا بر روایات مشترک فریقین، از آن جا که یکی از دو چشم دجال کور است، مقصود از تک چشمی بودن دجال، چشم سالم اوست. بنابراین، بین دو دسته از احادیث تناقضی وجود نخواهد داشت، به جز حدیثی از اهل تسنن که می گوید چشم دجال کور نیست. البته این تناقض را نیز به این صورت می توان حل کرد که دجال نابینای مطلق نیست؛ اما این که آیا آن چشم دجال که معیوب است و بینایی اش را از دست داده، کدام چشم دجال است، بر اساس برخی از روایات اهل تسنن چشم کور دجال، چشم راست اوست و بر اساس پاره‌ای دیگر، چشم چپ او، و این تناقضی آشکار میان روایات اهل تسنن است؛ ولی در احادیث شیعه تنها چشم راست دجال به کوری وصف شده است.

همچنین بر اساس روایات اهل تسنن، چشم دجال از جای خود کنده شده و برجسته، بارز و

از حدقه درآمده است و براساس روایات شیعه مانند انگور برجسته و از حدقه درآمده است. اگرچه ویژگی‌های به شمار آمده در روایات اهل تسنن بیشتر است، ولی از این جهت میان روایات - خواه میان توصیف‌های گوناگون فریقین یا خصوص روایات شیعه و یا خصوص اهل تسنن - تناقض وجود ندارد؛ اما در این که کدام چشم دجال مانند انگور برجسته و از حدقه درآمده، میان روایات اهل تسنن در این باره داده‌ای یافت نمی‌شود، اما در میان روایات شیعه اختلاف وجود دارد؛ برخی از احادیث، چشم راست و برخی چشم چپ او را دارای این ویژگی دانسته‌اند.

همچنین، بین احادیث اهل تسنن که می‌گویند چشم دجال مانند ستاره روشن یا ستاره صبح و یا ستاره زهره و یا مانند ستاره‌ای آغشته به خون است، با احادیث شیعه که بیان می‌دارند چشم دجال مانند ستاره صبح می‌درخشد و چنان آغشته به خون است که گویی زالویی در آن وجود دارد، چندان اختلافی وجود ندارد، اگرچه اطلاعات روایات اهل تسنن در این باره بیشتر است. اما این که این چشم کدام چشم دجال است، در روایات اهل تسنن بر اساس روایتی، یکی از دو چشم و براساس برخی روایات دیگر به طور مشخص، چشم چپ او به این ویژگی متصف شده است که روایت نخست، قابل حمل بر معنای روایت دوم است و در نتیجه بر اساس روایت اهل تسنن، چشم چپ او این ویژگی‌ها را دارد.

مراد از این گزاره نیز که یکی از چشمان دجال همانند شیشه‌ای سبزرنگ است، همین چشم او خواهد بود، ولی میان رنگ چشم او - که بر اساس گزاره‌های گذشته، روشن، بارز، مانند ستاره زهره، آغشته به خون و طبیعتاً سرخ‌رنگ است - تناقض ظاهری وجود دارد که این مسئله نیز میان درخشش شیشه‌وار چشم و درخشش همانند ستاره یا ستاره زهره و ... تناسب برقرار می‌کند. و اما اختلاف رنگ خون و رنگ سبز را به این صورت می‌توان حل کرد که در اثر مرور زمان رنگ چشم نابینا که خون آلود بود به سبزی می‌زند، یا این که اساساً رنگ خون مرده میان سرخی و سبزی است. از این رو احادیث شیعه نیز در مسئله درخشش چشم دجال با روایات اهل تسنن هماهنگ هستند. همچنین آغشته به خونی چشم به گونه‌ای که گویی زالویی در آن وجود دارد که در روایات شیعه آمده، با رنگ چشم از نظر سرخ‌رنگی که به سبزی می‌زند، سازگاری کامل دارد. بنابراین از این نظر نیز اختلافی میان روایات فریقین وجود نخواهد داشت؛ ولی این که از دیدگاه روایات شیعه کدام چشم دارای این ویژگی است، چشم چپ دجال به این ویژگی توصیف شده است.

اما از این نظر که براساس روایات اهل تسنن، چشم دجال گویی نخاعه‌ای (خلطی) است

که بر روی دیوار گچکاری شده افتاده یا دارای ناخنک است و نیز بر اساس روایات شیعه که گویی تکه‌گوشتی اضافه دارد، اختلافی وجود نخواهد داشت و همه توصیف‌های گوناگون یک ویژگی است؛ اما در این‌که این کدام چشم دجال است که این ویژگی را دارد، در روایات اهل تسنن چیزی نیامده، ولی بر اساس روایات شیعه، چشم چپ او دارای این ویژگی است. اما قضاوت نهایی در ویژگی‌های چشم دجال می‌طلبد که به سؤال‌های اساسی در این باره پاسخ داده شود. این سؤال‌ها عبارتند از:

۱. از میان دو چشم دجال، کدام کور است و کدام سالم؟ که بر اساس روایت اهل تسنن، چشم راست یا چپ و بر اساس روایات شیعه، چشم راست او کور است.
۲. ویژگی‌های نامبردهٔ سری اول مانند از جای کنده شدن و برجستگی و از حدقه درآمدن و آویخته شدن مانند انگور، آیا ویژگی چشم سالم اوست یا ویژگی چشم نابینای او؟
۳. ویژگی‌های سری دوم مانند درخشش، آغشته به خون بودن و رنگ چشم، جزو ویژگی‌های چشم سالم دجال است یا چشم کور او؟
۴. ویژگی سری سوم که عبارت است از وجود نخاعه، خلط، ناخنک یا تکه‌گوشت در چشم، ویژگی چشم سالم دجال است یا چشم نابینای او؟
۵. یا این‌که اساساً آیا برخی ویژگی‌ها، مربوط به چشم سالم و برخی ویژگی چشم نابینای دجال است؟

در واقع سؤال‌های یادشده به دو سؤال بازمی‌گردد که عبارتند از این‌که آیا از میان دو چشم دجال، کدام کور و کدام سالم است و اساساً این ویژگی‌ها، مربوط به چشم سالم اوست یا چشم نابینای او؟

اگرچه در نگاه اول امکان دارد گفته شود می‌توان اختلاف روایات در نابینای مطلق بودن چشم راست یا چپ دجال را با توجه به تفاوت سمت راست و چپ، بر اساس سمت راست یا چپ صورت او در صورتی که دجال سمت راست یا چپ صورت خود را بیان کند و یا سمت راست یا چپ با توجه به کسی که به او نگاه می‌کند، توجیه کرد؛ ولی حقیقت آن است که در این‌گونه موارد، عرفاً سمت راست و چپ نسبت به خود شخص - یعنی احتمال اول - به حساب می‌آید و نه به اعتبار نگاه کننده به شخص. بنابراین، این وجه هرگز در توجیه اختلاف احادیث کارساز نخواهد بود.

در پاسخ به سؤال دوم - یعنی این‌که آیا این ویژگی‌های چشم سالم دجال است یا چشم نابینای او؟ - می‌توان گفت این ویژگی‌ها همه مربوط به چشم سالم دجال است؛ زیرا از روایات

اهل تسنن و نیز شیعه برمی آید که تمامی این ویژگی‌ها، مربوط به چشم سالم اوست. روایات زیر از اهل تسنن بر این مطلب دلالت دارد:

۱. از این روایت که می‌گوید دجال دارای چشمی کور، برجسته و بارز است^۱ برمی آید که چشم دجال کاملاً کور نیست، بلکه بینایی اش را از دست داده است. بنابراین، چشم او نسبتاً سالم است و برجستگی و بارز بودن نیز با سلامت نسبی سازگار است و دلالتی بر کوری مطلق ندارد.

۲. از این حدیث که می‌گوید چشم دجال، همچون دانه انگوری برجسته است^۲ نیز می‌توان به سلامت نسبی چشم دجال پی برد؛ زیرا شباهت چشم به دانه انگور برجسته و نیز از حدقه درآمدگی، یعنی بزرگی چشم، بر سلامت نسبی آن دلالت دارد. بنابراین، منظور از یک چشم دجال که در این روایت بدان اشاره شده، همان چشم اوست که مانند دانه انگور برجسته و از حدقه درآمده است و این دو ویژگی نیز با سلامت نسبی چشم، سازگار است.

۳. حدیثی که می‌گوید چشم دجال از جا کنده شده و معیوب است^۳ گویای آن است که چشم دجال از جا کنده شده، ولی کاملاً کور نیست، بلکه معیوب است. بنابراین، ویژگی از جا کنده شدن، همانند برجستگی که در روایات دیگر آمده، هرگز بر کوری مطلق دلالت ندارد، بلکه با سلامت نسبی سازگار است و ویژگی معیوب بودن، مؤید سلامت نسبی چشم اوست.

۴. حدیثی که چشم دجال را به نابینا بودن وصف کرده^۴ نیز بیانگر آن است که دجال یک چشم دارد و کور است. از این حدیث برمی آید که یک چشم دجال، قطعاً کور و نابینای مطلق است؛ لذا دجال به یک چشم بودن وصف شده، چرا که چشم دیگر، اساساً چشم به شمار نیامده است. از این حدیث می‌توان دوگونه برداشت کرد: ۱. در ظاهر چهره دجال فقط یک چشم وجود دارد؛ ۲. این که دجال دو چشم دارد، لیکن یکی کاملاً نابیناست و کارایی چشم را که دیدن است ندارد. از این رو، به یک چشم بودن وصف شده است که با توجه به روایات دیگر که دجال را به داشتن دو چشم وصف کرده، وجه دوم صحیح به نظر می‌رسد. در هر حال، از

۱. عبادة بن صامت نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است و این چشم بینایی اش را از دست داده و برجسته و بارز است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۵، ۳۲۴؛ مروزی، ۱۴۱۴: ج ۲، ۵۱۸؛ شیبانی، ۱۴۱۳: ج ۱، ۱۸۶).

۲. عبدالله بن عمر نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است و چشمش مانند دانه انگوری برجسته و از حدقه درآمده است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۳۳ و ۱۲۲؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۸، ۱۰۲).

۳. سالم از پدرش نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است؛ چشم او از جا کنده شده و معیوب است» (عینی، بی تا: ج ۱۶، ۳۴).

۴. اسماء بنت یزید انصاریه نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: همانا دجال یک چشم و کور است» (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۴۴).

این حدیث نیز برمی‌آید که دجال در چهره خود دارای دو چشم است: یکی کاملاً نابینا به حدی دیگر چشم به شمار نمی‌آید، و دیگری چشمی نسبتاً کور و نابینا که چشم محسوب می‌شود.^۵ حدیثی که دجال را یک چشم و بینا معرفی می‌کند،^۱ به روشنی درمی‌یابیم چشمی که در چهره اوست، کور نیست. در واقع، وجه جمع این حدیث با حدیث گذشته، این است که یک چشم دجال - که در روایت گذشته به کوری وصف شده - کور نیست و این تناقض آشکار است. از این رو باید گفت که این چشم به لحاظ آن که نسبتاً نابینایی خود را از دست داده، در حدیث گذشته نابینایی نسبی و کوری، و به لحاظ بینایی نسبی به کور نبودن در این حدیث وصف شده است.

۶. حدیثی که چشم دجال را همچون ستاره برمی‌شمارد،^۲ با سلامت نسبی چشم دجال سازگار است؛ زیرا درخشش چشم یا آغشته به خون بودن، هرگز بر این دلالت ندارد که کاملاً نابیناست و ویژگی اول، هیچ دلالتی بر کوری یا حتی نابینایی ندارد، بلکه درخشش نور چشم از آن استفاده می‌شود. ویژگی دوم (آغشته به خون بودن) تنها دلیل بر کم‌سو بودن نور چشم است و نابینایی مطلق از آن استفاده نمی‌شود.

۷. حدیث دیگر که چشم دجال را نابینا و همچون انگور می‌داند^۳ دلالت بر این دارد که یکی از دو چشم (چشم راست) او کور است و به قرینه مقابله از این جا می‌توان دریافت که چشم دیگرش کور نیست. البته ممکن است بر این برداشت از حدیث خرده گرفته شود که این‌گونه برداشت، مبتنی بر حجیت مفهوم عدد است که در علم اصول فقه، عدم حجیت آن اثبات شده است؛^۱ لیکن باید توجه کرد که مفهوم عدد در حالت عادی و طبیعی حجت نیست، ولی در جایی که قرینه بر استفاده مفهوم از جمله وجود داشته باشد، مانند مثال مورد بحث - که قرینه مقابله در صدد بیان یکی از دو چشم در برابر چشم دیگر است - قطعاً مفهوم عدد حجت خواهد بود (قمی، ۱۲۳۱: ص ۱۹۱؛ ایوان‌کیفی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۵۸۳؛ عراقی، ۱۴۳۱:

۱. در روایتی عباده بن صامت نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است، ولیکن کور نیست» (سجستانی، ۱۴۱۰: ج ۲، ۳۱۹).

۲. ابی بکره آن را همچون ستاره صبح و رافع آن را همچون ستاره‌ای آغشته به خون توصیف می‌کند. ابی بکره نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: دجال یک چشم است و چشم او مانند ستاره صبح می‌درخشد» (هیثمی، ۱۴۰۸: ج ۷، ۳۳۷). رافع نیز از ابن عباس نقل می‌کند: «دجال یک چشم است و چشم او همچون ستاره‌ای آغشته به خون است» (متقی هندی، ۱۴۰۹: ج ۱۴، ۳۲۶).

۳. ابن عمر نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم راست دجال کور است و همچون انگوری برجسته و از حدقه درآمده است» (ابن حنبل، بی تا: ج ۲، ۱۳۱؛ ابن حنبل، ۱۴۰۶: ج ۱، ۴۴۳؛ بخاری، ۱۴۰۱: ج ۵، ۱۲۵ و ج ۷، ۵۷ و ج ۸، ۷۲ و ۱۷۱؛ نیشابوری، بی تا: ج ۱۰۷، ۱۴۰۳؛ ترمذی، ۱۴۰۳: ج ۳، ۳۴۹).

ج ۱-۲، ۵۰۳؛ مظفر، ۱۳۸۰؛ ج ۱، ۱۸۱؛ ۲. براین اساس، از ویژگی نخست که در این حدیث برای چشم دجال به شمار آمده (کور بودن چشم راست) صرفاً کور بودن یک چشم و نابینا نبودن مطلق چشم دیگر دجال استفاده می‌شود. اما ویژگی دوم (برجستگی همچون انگور و از حدقه درآمدگی) چنان که در شرح احادیث گذشته گفته شد، نه تنها دلالت بر کوری مطلق چشم دلالت ندارد، بلکه دلیل بر بینایی آن است (مظفر، ۱۳۸۰؛ ج ۱، ۱۸۱).

۸. حدیثی که می‌گوید چشم دجال، نابینا و همچون نخاعه‌ای بر دیوار گچکاری شده است، همانند احادیث گذشته، بیان می‌دارد همان چشم او که در این حدیث به کوری وصف شده (چشم راست)، برجسته و همانند نخاعه و خلطی است که روی دیوار گچکاری شده افتاده است و دو ویژگی اخیر بر کوری مطلق دلالت نمی‌کند، بلکه صرفاً بر ورقلنبیدگی و نیز تمایز شدید رنگ چشم با رنگ چهره دلالت دارد و این دو با سلامت نسبی چشم سازگار است. روایاتی که پیش‌تر - ذیل عنوان دجال دو چشم - از جوامع روایی شیعه نقل شد، دال بر این مطلب است.

از توضیحاتی که در چگونگی دلالت روایات موجود در جوامع روایی اهل تسنن بر نابینایی مطلق نبودن یک چشم دجال و سلامت نسبی آن ذکر شد، به خوبی می‌توان سازگاری روایات پنج‌گانه شیعی با سلامت نسبی یک چشم دجال را استنباط کرد.

با دقت در ۱۳ روایتی که از جوامع روایی فریقین نقل شد، می‌توان پاسخ سؤال نخست را - که عبارت بود از این که آیا چشم راست دجال کور است یا چشم چپ او - به دست آورد که یک چشم دجال به کلی کور است و چشم دیگر او نیز که کور نیست و این ویژگی‌ها را دارد، در مقایسه با چشم سالم، کور و نابینای نسبی به شمار می‌آید. بنابراین، اختلاف میان روایات در این که چشم چپ او کور است یا چشم راست او، به کلی برطرف خواهد شد؛ زیرا در مقایسه با چشم سالم، هر دو چشم او کور است و به هر کدام می‌توان واژه نابینا و کور را اطلاق کرد، اما این که کدام چشم او کاملاً نابیناست و کدام نسبتاً نابینا، باید گفت همچنان از برخی روایاتی که ذکر شد می‌توان استفاده کرد که چشم راست او، نسبتاً نابیناست. در مقابل در برخی روایات، این ویژگی برای چشم چپ او ذکر شده است.

اما در حقیقت صرف این که یک چشم بودن دجال در کنار ویژگی چشم او ذکر شده، هیچ‌گونه ظهوری در این که این چشم کور، همان چشمی است که ویژگی آن ذکر شده، ندارد.

۱. ابوسعید نقل می‌کند: «رسول خدا ﷺ فرمود: چشم راست دجال کور و ورقلنبیده است، گویی نخاعه‌ای (خلطی) است که روی دیوار گچکاری شده افتاده است» (ابن حنبل، بی تا؛ ج ۳، ۷۹؛ هیثمی، ۱۴۰۸؛ ج ۷، ۳۴۴).

به ویژه آن که در برخی روایات، به ویژگی چشم راست و چپ تصریح شده است و به لحاظ این که این دو چشم، مقابل یکدیگر قرار دارند، قطعاً و صراحتاً هرکدام از ویژگی‌ها، مخصوص همان چشم خواهد بود و این صراحت نصّ است در برابر استفاده از روایات گذشته که صرف ظهور یا اشعار بود. اما متن برخی دیگر از روایات، به صراحت و به قرینه مقابله، گویای آن است که چشم راست دجال کاملاً کور است، ولی چشم چپ او نسبت به چشم راست کور نیست، اما به لحاظ آن که ویژگی‌هایی مانند درخشش، آغشته به خون بودن و برجستگی و از حدقه درآمدن برای چشم چپ ذکر شده و این‌ها در برابر کوری مطلق چشم راست قرار دارد. پس این ویژگی‌ها نشان دهنده سلامت نسبی است و حتی ویژگی «از حدقه درآمدن» به حدی نیست که واقعاً از حدقه درآمدن و بیرون افتاده باشد، بلکه نشان از برجستگی و بارز بودن آن دارد. در نهایت با تأمل دوباره در روایات (اعم از روایات شیعه و اهل تسنن) می‌توان گفت که ویژگی درخشش همانند ستاره، ویژگی چشم چپ است و به جز روایت زیر، همه روایات پیش‌گفته گویای این مطلبند.

روایت در مخالفت با روایاتی که پیش از این بیان شد، مؤید دیگر کوری مطلق چشم راست دجال، وجه تأویلی است که مراد از سمت راست و جهت یمن و نیکی، و مقصود از سمت چپ، جهت شومی و نایمی و بدی و زشتی باشد، چنان‌که در تفسیر برخی آیات قرآن، منظور از «الیمین» و «میمنه»، برکت و یمن برشمرده شده است. از جمله در تفسیر آیه ۵۲ سوره مبارکه مریم^۱ بیضاوی «ایمن» را به معنای سمت میمون و مبارک حضرت موسی علیه السلام تفسیر کرده است (نک: بیضاوی، ۱۳۷۶: ج ۴، ۱۳).

همچنین ابوحنیفان اندلسی دلیل آوردن لفظ «یمین» در آیه ۶۹ سوره مبارکه طه^۲ را خوش یمن و مایه برکت بودن عصای حضرت موسی علیه السلام ذکر کرده می‌کند (ابوحنیفان، ۱۴۱۲: ج ۷، ۳۵۶).

شیخ طوسی رحمته الله در آیه ۲۸ سوره صافات^۳ آمدن کافران از سمت راست را به آمدن آن‌ها همراه با سخن نصیحت‌آمیز، میمون و مایه برکت تفسیر کرده است (طوسی، بی تا: ج ۸، ۴۹۱). بر این اساس، کوری مطلق جهت یمن و نیکی دجال - که مظهر شر و بدی است - با کوری چشم راست او بسیار سازگار است؛ والله العالم.

۱. «وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا».

۲. «وَأَلْقَى مَا فِي يَمِينِكَ تَلْفُفًا مَا صَنَعُوا إِثْمًا صَنَعُوا كَيْدًا سَاجِرًا وَلَا يُلْفُخُ السَّاجِرُ حَيْثُ أُنِيَ».

۳. «قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ».

بنابراین، دجال دارای دو چشم است و چشم راست او کاملاً نابیناست. اما چشم چپ او نسبتاً نابیناست و ویژگی‌های درخشش و آغشتگی به خون و نیز وجود نخاعه و ناخنک در چشم و ... به این چشم او مربوط است. نکته دیگر این‌که روایاتی که به صراحت وجه جمع این احادیثند، همگی روایات شیعی هستند.

نکته پایانی این‌که از ویژگی‌های ذکر شده برای چشم نیمه‌سالم دجال در روایات، می‌توان دریافت که چشم نیمه‌سالم او، از چشم عادی بسیار بزرگ‌تر است، یا دست‌کم بسیار بزرگ‌تر از چشم عادی می‌نماید، به گونه‌ای که تقریباً جای دو چشم را پوشش داده است. براین اساس، از بین دو برداشت از «یک چشم بودن دجال» که: ۱. دجال دارای یک چشم در چهره است و ۲. دجال دارای دو چشم است، ولی یک چشم می‌نماید، برداشت دوم با ویژگی‌های ذکر شده در احادیث مانند بسیار درخشنده بودن، آویزان بودن، برجسته بودن و ... سازگار است. براین اساس، نه تنها احادیثی که دجال را یک چشم معرفی کرده به درستی توجیه و معنا می‌شود، بلکه دلیل تعبیر از دو چشم به یک چشم نیز روشن می‌گردد که عبارت از بزرگی یک چشم است، به گونه‌ای که همانند انسانی که یک چشم در چهره دارد، می‌نماید.

اما درباره نوشته میان دو چشم دجال، در روایات شیعه و اهل سنت این مطلب ذکر شده است که دیدن و خواندن این نوشته منوط به داشتن سواد نیست و هر فرد با سواد یا بی‌سواد می‌تواند آن را بخواند که این دسته از روایات مطلقند و در روایات دیگر، قیدهایی نیز این اطلاق را مقید می‌کند. در روایات اهل سنت قیدهایی بیشتری نسبت به روایات شیعه برای دیدن و شناختن آن نوشته ذکر شده است. در روایات شیعه، دیدن آن نوشته، مقید به قید ایمان شده است و در روایات اهل سنت علاوه بر قید ایمان، قیود دیگری چون اسلام و اکراه از عمل دجال ذکر شده است که البته این قیود، با قید ایمان منافات نداشته و ایمان این موارد را نیز دربر می‌گیرد.

همچنین از این‌که در این روایات اشاره شده است خواندن این نوشته منوط به داشتن سواد خواندن و نوشتن نیست، می‌توان نتیجه گرفت که این نوشته به صورت نوشته‌ای مرکب از حروف و کلمات نیست که انسان‌های بی‌سواد از خواندن آن ناتوان باشند، بلکه این مطلب که «میان دو چشم دجال نوشته شده است کافر»^۱ می‌تواند به عنوان کنایه از وضوح کفر دجال باشد. به عبارت دیگر، کنایه از مطلبی خاص است، نه این‌که واقعاً نوشته‌ای میان دو چشم دجال وجود داشته باشد.

۱. مَكْتُوبٌ بَيْنَ عَيْنَيْهِ كَافِرٌ.

شاهد بر این مدعا این که در برخی دیگر از روایات نیز عبارت «مکتوب بین عینیه فلان» درباره افراد دیگری به کار رفته است. به عنوان مثال در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که «هیچ مخلوقی نیست مگر این که در میان دو چشم او نوشته شده است کافر یا مؤمن و آن از شما پنهان است و از ائمه علیهم السلام پنهان نیست»^۱ و در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام آمده است: «هر کس مردی یا مردمی را در کشتن بی گناهی با نیم کلمه یاری کند، در روز باز پسین می آید در حالی که میان دو چشمش نوشته شده است: ناامید از رحمت خداوند»^۲.

چنان که ملاحظه می شود در این روایات نیز عبارت «مکتوب بین عینیه» به کار رفته است و منظور از آن را می توان معادل فارسی آن که می گویند «در پیشانی فلانی مهر فلان خورده است» دانست. گذشته از قراین ذکر شده، خود تعبیر «کتابت» که در موارد بسیاری از آیات قرآن کریم نه به معنای کتابت و نگارش با ابزارهای نگارش، که به معنای کنایی: ثبت و استوار کردن، اندازه گیری، واجب کردن و اراده حتمی چیزی را نمودن به کار رفته است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ج ۱، ۶۹۹). بر این اساس، منظور از کتابت واژه «کافر» در میان دو چشم دجال نیز می تواند کنایه از تقدیر حتمی کفر دجال - البته با سوء اختیار خود او - خواهد بود. بنابراین، می توان گفت از احادیث مربوط به نوشته شدن واژه کافر در میان چشمان دجال، دو نکته استفاده می شود: ۱. کفر دجال حتمی است؛ ۲. کفر دجال برای مؤمنان به روشنی مشهود است.

نتیجه

با بررسی های انجام شده در این تحقیق، نتایج زیر حاصل شده است:

۱. روایات چشم دجال هر چند در نگاه نخست دارای گونه های مختلف و بعضاً متناقضی است، اما با دقت نظر و بررسی دقیق مضمون این روایات می توان بین آن ها جمع کرد.
۲. یک چشم دجال کاملاً کور است و چشم دیگر او نیز که کور نیست، ویژگی هایی دارد که در مقایسه با چشم سالم، کور و نابینای نسبی به شمار می آید. بنابراین، اختلاف میان روایات در این که چشم چپ او کور است یا چشم راست او، به کلی برطرف خواهد شد؛ زیرا در مقایسه با

۱. لَيْسَ مَخْلُوقٌ إِلَّا وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ أَنَّهُ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ وَ ذَلِكَ مَخْجُوبٌ عَنْكُمْ وَ لَيْسَ بِمَخْجُوبٍ مِنَ الْأَيْمَةِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَالِحٌ يَدْخُلُ عَلَيْهِمْ أَحَدٌ إِلَّا عَرَفُوهُ هُوَ مُؤْمِنٌ أَوْ كَافِرٌ، ثُمَّ تَلَا هَذِهِ الْآيَةَ: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّمَنْتَوَسَّعِينَ» فَهَمُّ الْمَتَوَسِّعِينَ. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۴، ۱۳۰؛ صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ۳۵۴)

۲. مَنْ أَعَانَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِشَطْرِ كَلِمَةٍ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مَكْتُوبٌ: آيِسْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ (صدوق، ۱۴۱۳: ج ۴، ۹۲؛ همو، ۱۴۰۶: ۲۷۶).

چشم سالم، هر دو چشم او کور است و به هریک می‌توان واژه نابینا و کور را اطلاق کرد.
۳. روایات شیعی به صراحت بیانگر وجه جمع بین احادیث است و در زمینه مشخص کردن ویژگی‌های دو چشم دجال و به‌ویژه مشخص کردن چشم کاملاً نابینا و چشم نسبتاً سالم دجال کارساز هستند.

۴. نتیجه‌گیری کلی آن‌که دجال، دو چشم دارد و چشم چپ او کاملاً نابیناست؛ اما چشم راست او نابینای نسبی است و ویژگی‌های درخشش و آغشتگی به خون و نیز وجود نخاعه و ناخنک در چشم و ... به این چشم او مربوط است.

۵. درباره نوشته میان دو چشم او نیز باید گفت این نوشته، مرکب از حروف و کلمات نیست که انسان‌های بی‌سواد از خواندن آن ناتوان باشند، بلکه می‌تواند به عنوان کنایه از ثبوت و وضوح کفر دجال باشد.

منابع

- ابن حنبل، احمد، مسند، بيروت، دار صادر، بی تا.
- ابن حنبل، عبد الله بن احمد، السنة، تحقيق: محمد بن سعيد بن سالم قحطاني، بی جا، دار ابن قتيمة، چاپ اول، ۱۴۰۶ق.
- ابن عبدالبر، يوسف، الاستيعاب، تحقيق: علي محمد البجاوي، بيروت: دارالجيل، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- ابن ماجه، محمد بن يزيد، سنن، تحقيق و تعليق: محمد فؤاد عبدالباقي، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، بی تا.
- ابوحيان، محمد بن يوسف، البحر المحيط في التفسير، بيروت، دارالفكر، ۱۴۱۲ق.
- ايوان كيفي، محمدتقي بن عبدالرحيم، هداية المسترشدين في شرح معالم الدين، قم، مؤسسة النشر الاسلامي، ۱۴۲۱ق.
- بحراني، سيد هاشم بن سليمان، البرهان في تفسير القرآن، قم، مؤسسة البعثة، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
- بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۰۱ق.
- بيضاوي، عبدالله بن عمر، انوار التنزيل و اسرار التأويل، بيروت، دار احياء التراث العربي، ۱۳۷۶ق.
- بيهقي، احمد، السنن الكبرى، بيروت: دار الفكر، بی تا.
- ترمذی، محمد بن عيسى، سنن، تحقيق و تصحيح: عبدالرحمن محمد عثمان، بيروت، دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- جزايري، نعمت الله، رياض الأبرار في مناقب الأئمة الأطهار، بيروت، مؤسسة التاريخ العربي، چاپ اول، ۱۴۲۷ق.
- حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، اشراف: يوسف عبدالرحمن المرعشلي، بی جا: بی نا، بی تا.
- حلي، حسن بن سليمان بن محمد، مختصر البصائر، قم، مؤسسة النشر الإسلامي، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.
- خويي، ابوالقاسم، البيان في تفسير القرآن، قم، مؤسسة احياء آثار الامام الخوئي، بی تا.
- الداني، عثمان بن سعيد، السنن الواردة في الفتن و غوائلها و الساعة و أشراتها، رياض، دار العاصمة، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- راوندی، قطب الدین سعید بن هبة الله، الخرائج والجرائح، قم، مؤسسه امام مهدی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- سجستانی، ابي داود سليمان، سنن، تحقيق و تعليق: سعيد محمد اللحام، بيروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- شيباني، ابن ابي عاصم، السنة، بيروت، المكتب الاسلامي، ۱۴۱۳ق.
- صافي گلپايگانی، لطف الله، منتخب الاثر في الامام الثاني عشر عليه السلام؛ قم، مكتبة المرجع الديني آية الله العظمى الصافي، ۱۴۲۸ق.
- صدری، سحر، بررسی تطبیقی روایات شیعه و اهل تسنن درباره ماهیت دجال (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۹۱ش.
- صدوق، محمد بن علی بن حسین، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم، دارالشریف الرضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
- _____، کمال الدین و تمام النعمة، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ق.
- _____، من لا يحضره الفقيه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ق.
- صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.
- طباطبایی، محمد حسین، الميزان في تفسير القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرانی، سليمان، الأحاديث الطوال، تحقيق: مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبيان في تفسير القرآن، تحقيق: احمد قصير عاملی، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- طيالسی، سليمان بن داود، مسند، بيروت، دار المعرفة، بی تا.
- عراقی، ضیاء الدین، نهاية الافکار في مباحث الالفاظ، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۳۱ق.
- عینی، محمود، عمدة القاری، بيروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- فیض کاشانی، محمد محسن، نوادر الأخبار فيما يتعلق بأصول الدین، تهران، مؤسسه مطالعات و

- تحقيقات فرهنگي، چاپ اول، ۱۳۷۱ش.
- قمی، ابوالقاسم بن محمدحسن، *قوانين المحكمة (قوانين الاصول)*، تهران، مكتبة العلمية الاسلامية، ۱۲۳۱ق.
- گروه نویسندگان، *الأصول الستة عشر*، قم، مؤسسة دار الحديث الثقافية، چاپ اول، ۱۳۸۱ش.
- متقی هندی، علی بن حسام‌الدین، *کنز العمال*، ضبط و تفسیر: الشیخ بکری حیانی، تصحیح و فهرسة: الشیخ صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
- مروزی، نعیم بن حماد، *الفتن*، تحقیق و تقدیم: دکتر سهیل زکار، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ۱۴۱۴ق.
- مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، تحقیق: عباس علی سبزواری، چاپ هشتم، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۰ش.
- نسائی، أحمد بن شعيب، سنن، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، چاپ اول، ۱۳۴۸ق.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغيبة*، تهران، نشر صدوق، چاپ اول، ۱۳۹۷ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، *صحیح*، بیروت، دار الفكر، بی تا.
- نیلی نجفی، بهاء‌الدین علی بن عبدالکریم، *منتخب الأنوار المضية فی ذکر القوائم الحجة علیها السلام*، قم، مطبعة الخيام، چاپ اول، ۱۳۶۰ش.
- هیثمی، علی، *مجمع الزوائد*، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- یزدی حائری، علی، *إلزام الناصب فی إثبات الحجة الغائب علیها السلام*، بیروت، مؤسسة الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.